



۲۰۱۶/۰۵/۲۳



طارق ارسلانی

## درسی که از گُرد ها باید آموخت

### (در حاشیهٔ صدمین سال تجزیه کردستان)

سرزمین گُردها در تقاطع تمدن ها و فرهنگ های بزرگ بشری و در گذرگاه جهان کشایان واقع گردیده که خاک سرزمین شان بارها و بارها در زیر سُم ستوران کشور کشایان و استعمار گران لگد مال گردیده و هر باری که از مصیبتی قد راست نموده اند، با هجوم لشکریان جدیدی دست و گریبان گردیده اند. گُردها همانند مردم افغانستان مردمان سلحشور و آزادی خواه هستند که در راه حصول استقلالی که تا هنوز به آن دست نیافته اند متحمل رنج ها و زحمات زیاد گردیده اند. شباهت های زیاد فرهنگی، تاریخی، مذهبی، سیاسی، و حتی نژادی میان اقوام افغانستان و گُرد ها موجود است. مطالعهٔ بخش هایی از حوادث تاریخی و مشکلات سیاسی گُردها، به نحوی حالت پریشان هر یک از اقوام ساکن در افغانستان را در ذهن خواننده تداعی میکند. تحولاتی که به دنبال حادثات یازدهم سپتمبر در جهان رونما گردید، مقدرات سیاسی افغان ها و گُرد ها را به شکل عجیبی به هم گره میزند. چنانی که گفته اند: "ملت های آگاه از اشتباهات دیگران می آموزند" ولی ما افغان ها متأسفانه حتی از اشتباهات خود نیز نیاموخته ایم. امید که مروری بر سرگذشت گُردها درس عبرتی برای همه اقوام افغانستان باشد.

گُردها با جمعیت حدود کمی بیشتر از ۳۰ میلیون؛ بعد از اعراب، ترک ها، و فارس ها بزرگترین گروه نژادی را در منطقه تشکیل میدهند و اکثراً در ناحیهٔ موسوم به "گُردستان" سکونت دارند. در دوران هجوم سلطنت های فارس، ترک، و عرب؛ سرزمین های گُرد نشین در خط مقدم جنگ ها قرار داشت که با غلبهٔ هر یک از فاتحین سرزمین های گُرد نیز از دستی به دستی می گشته است. بعد از شکست سپاه صفویان فارس به دست شاه سلیم در قرن پانزدهم میلادی، مناطق شامل گُردستان در تحت اداره و نفوذ امپراطوری عثمانی قرار گرفت. تا قرن ۱۹ میلادی گُرد ها صرفاً مواجه با قدرت های منطوقی بودند، اما با باز شدن پای استعمار گران غربی به منطقه بعد جدیدی بر مشکلات گُردها علاوه گردید. گُردها تلاش نمودند تا با استفاده از وضعیت جدید سیاسی از سیاست "غیر فعال و مقاومت" به سیاست "فعال و معامله" روی بیاورند. انگلیس ها نیز در برابر رقبای خود در منطقه چون فرانسه و ترک های عثمانی، توانستند تا با وعدهٔ حمایت از تشکیل یک دولت مستقل پشتیبانی و همکاری گُردها را بدست بیاورند.

شعله های آتش جنگ اول جهانی دامن امپراطوری عثمانی را نیز گرفت و در جریان جنگ، دولت ترکیه عثمانی صدها هزار گُرد (و ارمنی) را به ظن همکاری با روس ها مجبور به کوچ اجباری نمودند. بعد از اضمحلال امپراطوری عثمانی و در اثر توافقات پنهانی که میان فرانسه و انگلیس بعد از ختم جنگ جهانی اول صورت گرفته

بود، به تاریخ شانزدهم می سال ۱۹۱۶ (درست صد سال قبل از امروز) کشورهای اسلامی مستعمرات عثمانی میان فرانسه و انگلیس توسط "خط کش" سرحد بندی و تقسیم گردیدند (آنهایی که از خطوط سرحدی مستقیم در شرق میانه تعجب میکنند). بر اساس نقشه جدید، نطفه کشور اسرائیل در منطقه گذاشته شد و کشورهای جدیدی (به شمول عراق) ظهور نمودند، ولی وعده تشکیل دولت مستقل گرد هیچگاه به تحقق نپیوست و برعکس سر زمین واحد کردها در میان چهار رقیب منطقوی یعنی ترکیه، عراق، ایران، و سوریه تقسیم گردید. کوشش های پی در پی جهت ایجاد دولت مستقل گرد در بین سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰ از طرف دولت نو ظهور "ترکان جوان" و دولت ایران به شدت سرکوب گردید. با آغاز قرن بیست سرنوشت گرد ها از دست قوت های بزرگ و قدرت های استعماری به دست دولت های کوچک منطقه افتاد. گرد ها دیگر به حیث یک قوت متحد قبلی باقی نماندند و در تعاملات سیاسی منطقه صرفاً حیثیت "کتلیست" را اتخاذ نمودند که جهت پیشبرد منافع کشورهای رقیب همسایه مورد استفاده قرار می گرفتند. گرد ها که قبلاً در زیر فشار و اختناق ناسیونالیزم ترک خرد و خمیر گردیده بودند با موج جدیدی از ملیگرایی افراطی عرب که بعد از ختم جنگ دوم جهانی بر کشورهای عربی مستولی گردیده بود، مواجه گردیدند. ناسیونالیزم عربی نه تنها سرزمین های گرد نشین را از مستملکات خود می دانست بلکه با هر پدیده غیر عرب در منطقه با خشونت و زور برخورد می نمود. گرد ها در میان قفسه آهنینی محصور ماندند که از هر سو فشار بالای شان وارد آمد. سرحدات سیاسی جدید به مرور زمان حصار های بلندی را میان خواست، شیوه سیاسی، و عملکرد گرد های هر کشور به وجود آورد. گرد های ساکن در هر یکی از این چهار کشور با مشکلاتی مجزا و متفاوت از همدیگر سردچار گردیدند و کشورهای منطقه شروع نمودند به استعمال گرد های یک کشور علیه گرد های کشور دیگر. و به این ترتیب رقابت بر سر رهبری گرد ها آغاز گردید که این رقابت ها بیشتر در دو محور ترکیه و عراق شکل گرفت. گرد های ترکیه با جمعیتی بیشتر از ۲۰ میلیون نفر، ۲۵ درصد نفوس ترکیه و بیشترین جمعیت نفوس گرد ها را تشکیل می دهند؛ ولی در کشور سنی مذهب ترکیه، گرد ها نه از اختناق مذهبی رنج میبرند و نه هم ملیگرایی عربی برای شان تهدیدی به حساب می آید. اکثریت گرد های ترکیه از فضای باز سیاسی دولت استفاده نموده و احزاب عمده گرد در ترکیه تحت تأثیر گرایشات مارکسیستی روابط نزدیک با دیگر احزاب چپ در ترکیه برقرار نموده و تلاش نمودند تا گرد ها را بر محور اتحادیه ها و احزاب کارگری منسجم نمایند. اما جمعیت شش میلیونی گرد ها در عراق در مقابله با اختناق مذهبی و ملیگرایی عربی، طبل "ملیگرایی گرد" را به صدا در آوردند. تجزیه گرد ها مشکل تمرکز اقتدار سیاسی را در یک کشور (عراق) و موجودیت اکثریت نفوس را در کشور دیگر (ترکیه) به وجود آورد (همانند پشتون های افغانستان و پاکستان).

در جریان جنگ هشت ساله ایران و عراق، گرد ها باز هم در خط مقدم جنگ قرار گرفتند و هم عراق و هم ایران تا توانستند از انواع جرایم جنگی در حق گرد های دو کشور دریغ نورزیدند. بعد از اشغال کویت توسط صدام حسین و لشکر کشی امریکا به عراق در سال ۱۹۹۰ فصل جدیدی در تاریخ گرد ها باز گردید. یکی از پیامد های این جنگ شناختن حریم فضائی کردستان عراق به حیث "ساحه منع پرواز" بود. مناطق کردستان عراق به دور از تیر رس رژیم بعثی صدام حسین شکل "خود مختار" را به خود گرفت و بعد از سه دهه اختناق اکنون برای گرد های عراق فرصتی بدست آمده بود تا شروع به تنظیم حالت در هم و بر هم سیاسی خود نمایند. ولی با از بین رفتن عامل خارجی، مشکلات داخلی به سرعت ظهور نموده و باعث ایجاد چند دستگی در میان گرد ها گردید و نتیجتاً گروه های رقیب گرد به جان هم افتادند. در سال ۲۰۰۳ زمانی که امریکا تصمیم گرفت تا برای بار دوم به عراق حمله نماید، باز هم



منظری از سرزمین کردستان



منظری از سرزمین افغانستان

به متحدین قبلی خود (کُرد ها) مراجعه نموده و مناطق کُردستان و نیرو های "پیشمرگه" را با وعده های بلند بالا در جنگ علیه صدام حسین بسیج نمودند (به همان شکلی که از اتحاد شمال در جنگ علیه طالبان استفاده گردید). در پی سقوط صدام حسین و بر اساس توافقاتی که صورت گرفته بود رهبری دولت عراق به کردها (جلال طالبانی) واگذار گردید. با فرو رفتن عراق در جنگ های داخلی، کُرد ها خود را از معرکه به دور نگهداشته و با استفاده از عواید بدست آمده از فروش تیل توجه را بالای پیشرفت مناطق کُردستان عراق مبذول نمودند. با استفاده از ضعف دولت مرکزی عراق کُرد ها میدان های نفت و ساحات بیشتری را تحت نفوذ "اقلیم کُردستان عراق" در آوردند. منابع سرشار تیل کُرد ها را از یک قوت صرفاً سیاسی و نظامی به یک قوت اقتصادی در منطقه نیز تبدیل نمود. موجودیت حالت نا بسامان سیاسی در عراق طرح های "سیستم فدرال" و تشکیل "دولت مستقل کُردستان عراق" را در میان کُرد ها تقویت نمود. ولی متحد بزرگ کُرد های عراق یعنی امریکا عدم علاقه مندی خود را از تشکیل "دولت مستقل کُردستان عراق" ابراز و بالای یک عراق متحد تأکید ورزید. از جانب دیگر دولت ترکیه که هر گونه حرکت ملی گرایانه کُرد را در کشور خود خفه می نماید، سیاست دوگانه را در برابر کُرد های عراق در پیش گرفت. دولت ترکیه با اداره "اقلیم کُردستان عراق" روابط نزدیک برقرار و باوجود اعتراضات مکرر دولت عراق برای صادرات تیل کُردستان از طریق خاک ترکیه تسهیلات را فراهم نمود. دولت ترکیه حتی چنین تلقین نمود که در صورت تشکیل "دولت مستقل کُردستان عراق" آنرا به رسمیت خواهد شناخت. ولی ظهور داعش در منطقه شهر های کُرد نشین را یکی بعد دیگر

به خاک و خون کشانید و "پیشمرگه" های کُرد یکبار دیگر جهت دفع این مصیبت جدید بسیج گردیدند. و بدین ترتیب آفت داعش آب سردی بالای رویا های اقلیم کُردستان عراق ریخت.

قدرت های زیادی آمدند و هر یک به نحوی با سرنوشت مردم رنج کشیده کُرد بازی کردند و بعد از بسر رسیدن اهداف شان راه خود را گرفتند و رفتند، ولی آرمان ایجاد یک کشور واحد و مستقل کُردستان نه تنها که تحقق نیافت بلکه خصومت های عمیق با اقوام دور و پیش برای کُرد ها بر جای ماند. کُردها امروز هم به حیث "بزرگترین گروه نژادی بدون دولت" در جهان شناخته می شوند. با وجود هم پیمانی و تعهدات قدرت های دور و نزدیک دورنمای یک کشور مستقل که بتواند کُرد های ترکیه، عراق، ایران، و سوریه را به زیر یک پرچم واحد گرد بیاورد؛ از هر زمان دیگر بعید به نظر می خورد. سرگذشت کُرد ها درس عبرتی است برای تمام اقوام شریف افغانستان و خاصاً برای آن عده ای که به تحریک بیگانه ها در شیپور مسائل قومی می دمند. طارق ارسلانی - ایالت ورجینیا، امریکا

### تا جدا هستیم انگشتان افکاریم

مُشت اگر گردیم از آن دندانها خواهد شکست

(استاد پژواک)

